

بسم الله الرحمن الرحيم

حاج حسین یکتا

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله، افوض امرى الى الله، ان الله بصير بالعباد

خوب خیر مقدم، خسته نباشید و خدا قوت و تشکر از همه رفقای که دعوت مجموعه دوستان را در کارگروه هیأت یا همان جامعه ایمانی مشعر پذیرفتند و قبول دعوت کردند و زحمت کشیدید از راه دور و نزدیک تشریف آوردید، ما بیشتر از عمده هدف از حضور ما این بود که تشکر بکنیم، همین و خسته نباشید و خدا قوت بگوییم، حالا اینها می گویند سی دقیقه باز قرار نبود اینقدر ما وقت داشته باشیم، کمتر باشد، و خسته نباشید هم بگوییم به رفقا و دوستان عزیزی که تدارک این جلسه را برای دومین بار و خیلی جامع تر و کامل تر و واسع تر از قبل دیدند، عزیز دلمان آقای مهدی سلحشور و جناب آقای رحیم آبروش و رفقای جامعه ایمانی مشعر که دارند همه کمک می کنند که این جمله حضرت آقا که اجتماع اصحاب حق ضروری و فوری است شکل بگیرد، هدف از خاتم هم همین است، یعنی شکل گیری خاتم هم من باب همین جمع شدن رفقا دور همدیگر در این شرایط پیچیده خاص، که باید برویم همدیگر را پیدا کنیم، سازماندهی کنیم، انسجام بدهیم، آموزش بدهیم، توانمند کنیم، درک درستی از شرایط موجود کنیم و وارد عملیات بشویم که من فکر کنم ما هنوز وارد عملیات نشدیم و سؤال خیلی از عزیزان و بزرگترها و پیشکسوتها و حمایت کننده ها و چشم انتظارها این است که بالاخره بچه های هیأت کی وارد عملیات می شود، نه اینکه عملیات شما نمی کنید، هر هیأتی که دارید، هر جلسه ای که دارید، هر شب و روزی که در شهر و دیار دور هم جمع می شوید عملیات است، آن خودش عملیات است، ولی یک موقع قرار است یک حرکت ملی، یک انسجام ملی، یک آموزش ارتقا دهنده، یک حرکت پیش برنده داشته باشیم و یک تعیین تکلیف کلی داشته باشیم بر تمام نگاههایی که حضرت آقا و منویاتی که ایشان دارند و می گویند و خیلی هایش روی زمین می ماند من فکر کنم یکی از جاهایی که ما خیلی می توانیم سریع وارد عمل شویم همین بخش هیأتان است، خیلی از کارگروههایی که ما داریم در بعضی از فضاها ما مثلاً مثل فضای مجازی شاید با نگاه تهدید به آن نگاه می کنیم، می خواهیم تبدیلیش کنیم به فرصت برای خودمان، در هنر و رسانه سختی های خاص خودش را دارد، آقا احسان آمده گزارشات و کلیاتی را گفتند و خیلی بچرخانیم این قضیه را سمت فرصت شدن و به کار گیری در خدمت جبهه فرهنگی انقلاب کار بسیار سخت و صعبی است و نیروی آن را ساختن کار بسیار سختی است، ولی این مجموعه رفقای هیأتی مان که دور هم جمع هستند و کارگروه هیأت و دستی که شما به آتش دارید گوشت لخم فرصت است، یعنی همه اش قابل اجراست، همه اش قابل این است که ما بتوانیم هزار و یک مسأله را با این حل کنیم، خوب بیشتر هم ما برای همین که تشکر کنیم از تشریف فرمایی شما و

خسته نباشید به رفقای که تدارک دیدند خدمت رسیدیم، حالا در این چند دقیقه ای که مازاد بر اینکه قرار بود بیش از این ما زحمت ندهیم وقت گذاشتند چی بگوییم و چی بشنویم، شرایطی که الان ما داریم ونگاهی که الان هست یک فضایی است که رفقا من احساس می کنم در خیلی از بخشهای موجودی و دارایی جبهه حق باید حتما بنشینیم و یک بازنگری جدی بکنیم، در خیلی کارهایمان حرکتهايمان رفتارهایمان باید حتما بنشینیم یک بازنگری بکنیم، حتما، یکی اینکه دشمنی الان ایستاده روبروی ما خیلی دارد پیچیده و حرفه ای عمل می کند، اخباری که ما داریم اطلاعاتی که آرام آرام دارد جمع می شود، تدارکی که داریم خبردار می شویم از تدارک دیدن و تدارک کردن جبهه آن طرف، تدارک بسیار قوی است، بسیار قوی است، مخصوصا با بعضی از اتفاقاتی که می افتد و یک خورده امیدوار می شوند با بعضی از حرکتها و بعضی از گفته و شنیده ها و نشست و برخواستها، تدارک جبهه آن طرف بسیار قوی است، یکی اینکه واقعا دارند جبهه ای عمل می کنند، واقعا دارند جبهه ای عمل می کنند، یعنی همین که ما می بینیم ناتو که اسمش برای نظامی بود و آقا تعبیرش را برای ناتوی جبهه جنگ نرم استفاده کردند که آن طرف ناتو درست کردند و آن جبهه ناتوی آن سخت افزار در مقابل جنگ سرد جبهه شرق بود دیگر، جبهه شرق که از بین رفت، تمام شد، دیگر خبری نیست که، ولی آنها ناتو را حفظ کردند، آن ناتویی که آنها حفظ کردند اصلا برای رفتن در افغانستان و عراق و بوسنی و هرزگوین نیست، تمام قوایشان را دارند به خط می گیرند برای فرهنگ، والسلام، خیالتان را راحت کنم، فرهنگ هم دیگر در حد این حرفهایی نیست که ما داریم می آیم یک موقع با هم مکالمه می کنیم، بیس آن را گذاشتند برای تغییر سبک زندگی، بیس آن را گذاشتند برای کار چهره به چهره و نفر به نفر، مال همین است که شبکه های اجتماعی روی موبایلها شما نصب می شود، چون وقت کم است من ب کمپلکسی می گوئیم، دکتر آمده بود چند روز پیش گزارش می داد در جمع رفقای اصلی تصمیم گیرنده بنیاد که می گفت شما در این موبایل را باز می کنی الان به اینترنت وصل می شوی این دوربین یک عکس از چشم تو می گیرد، در سیستم سرویسهای اطلاعاتی آن طرف، همه تان، همه مان، یک عکس از چشم شما می گیرد و مردمک چشم شما چون با مردمک چشم همه، من یک چیزی می خواهم بگویم بینی چه خبر است فقط، چون مردمک چشم شما با مردمک چشم همه مردم دنیا فرق دارد گونه های شما و صورت شما را کاملا دیگر دارد، بر طبق حسب آن عکسی که از مردمک چشم شما گرفته و این را می دهد به تمام دوربینهای انگلیس، می دهد به تمام دوربین های آمریکا، این نفر در هر کجا که دارد رد می شود و این نفر هر باری که دوربین موبایلش روشن می شود و هر بار که به اینترنت وصل می شود و دارد با موبایلش کار می کند و با نوت بوکش کار می کند و با این وب کم آن ارتباط می گیرد حرکات گونه های صورتش، ماهیچه های صورتش، حرکتهای چین و چروک روی صورتش را محاسبه می کنند، حرکتهای راه رفتنش در خیابان را محاسبه می کنند، بر طبق حال و استرس و روز و وضع و حالش او را می گویند در این انتخابات این به کی رأی می دهد، دوماً بر طبق حال و روزش برای مطلب می فرستند و مدیریتش می

کنند، این یک آدم عادی عامی است، نه یک مسئول هیأت، نه یک نفر تأثیرگذار در یک شهر و دیار، از آن طرف هم گوگل اعلام می کند که من دیگر کشور هستم باید در سازمان ملل به من کرسی بدهید، و به من صندلی بدهید، چون من اینهمه آدم دارم و اینهمه آدم تحت تأثیر من هستم و در مدیریت من هستند، من در سازمان ملل صندلی می خواهم، و می خواهد بالن بفرستد آن بالا مستقیم در شهر شما ریز اطلاعات را بریزد روی اینترنت، بریزد روی موبایل و کامپیوتر این بچه ها، و ابر الکترونیکی درست کند که شما هر کسی را در کامپیوتر می بینی عینش را آن دختر را برای می آورد بغل تو ظاهر می کند بغلش می کنی ارضاء می شوی، و ما می توانیم در جلسه بعد، سال بعد این ابر الکترونیکی را برای شما بیاوریم ببینید چکار می کند، آنوقت این مادر می گوید قربان پسرم بروم، قربان دخترم بروم در اتاق خواب نشسته دارد با کامپیوترش قرآن گوش می کند، این فقط بخش مجازی را می خواهم بگویم، آن بخش علوم انسانی را که می خواهند چکار کنند در عرفانهای نوظهور را نمی خواهم بگویم، در فرق و ادیان نمی خواهیم بگویم، آنها چکار دارند می کنند در تربیت کادر آینده مدیریتی دنیا اصلاً نمی خواهم بگویم، تمام آدمهایی که دارند می چینند در دنیا، یعنی آقای کرزای که می گذارند آنجا این آقای که می خواهند بردارند در عراق که خلاصه به حمایت ایران الان آنجا مستقر است و بردارند کی را بگذارند جایش، آن آدمی که در گوشه دنیا بگذارند از راهنمایی دبیرستان گرفتند او را، یعنی استعداد یابی هایی که اینها دارند می کنند، نخبه یابی هایی که اینها دارند می کنند، آی کی یو شناسی هایی که دارند می کنند، تک به تک چهره به چهره و نفر به نفری که مؤسسات و بنیادهایی که در تمام کشورها مستقر کردند، که خیریه اش جداست یک جور، آموزش اش جداست یک جور، علمی اش جداست یک جور، دین شناسی آن کشور جداست یک جور، برای هر کشور برای هر شهر برای هر بخش بیا برویم برای نشان بدهم، ای کاش وقت بود که در پاکستان که در آن بخش شیعه که داریم کدام بنیاد آمریکا مستقر شده است، در افغانستان در آن بخش که شیعه داریم کدام بنیاد آمریکا مستقر شده است، و این بنیاد آمریکا دانگش را فلان کشور فلان شرکت توشیبا میتسوبیسی راکفلر فلانی دارد می دهد، دانگش را هم ندهد از اقتصاد جهانی حذف می کنند او را، یک مدیریت خوشگلی درست کردند دیدنی، و از کی اینها روی میرحسین کار کردند و از کی روی فلانی کردند و روی فلانی کار کردند، و من به اعتقاد خودم برای تمام بچه هیأتی های ایران یکی یکی پرونده باز کردند، من این اعتقاد را دارم پیدا می کنم، برای همه پرونده باز کردند، و امام عصر هم دارد می بیند این حرکتها را، نه اینکه نمی بیند، ابی عبدالله هم دارد می بیند، حضرت زهرا هم دارد می بیند، یک حرکت منظم جبهه ای سازماندهی شده تربیتی علوم انسانی مدیریتی کاربردی راهبردی اجرایی محقق شدنی که می ایستند رویش قسم می خورند می گویند پنجاه سال دیگر چه اتفاقی می افتد، چون بیست سال قبل طراحی کردند که روسیه را بپوکانند، توسط چند نفری که دور یک میز جمع شدند تصمیم گرفتند که روسیه را بپوکانند، یعنی اتحاد جماهیر شوروی را بپوکانند، یعنی بلوک شرق را بپوکانند، مأموریتش هم تعریف شده بود، روی میز قشنگ معلوم

بود، الان هم که از عراق رفتند بیرون که در کلیت خیلی اش به علت جمهوری اسلامی است سه چهار هزار تا مؤسسه گذاشتند در عراق مردم نهاد، با یک بنیادی در آمریکا دارند این مؤسسات مردم نهاد را در عراق مدیریت می کنند، اقتصادی اش را امنیتی اش را، سیاسی اش را همه را مدیریت می کنند، هیچ آمریکایی هم حضور ندارد، برای همه چیز دارند طراحی می کنند، یک کار جبهه ای قوی علمی تکنولوژی به روز، چرا؟ چون خود حضرت شیطان آمده در میدان دارد آنها را مدیریت می کند، چون احساس کرده آخرالزمانی کارش دارد تمام می شود احتمالاً، خیلی پیچیده است کار، رفقا خیلی کار پیچیده است، بیا ببین برای همین جمعیت دارند چکار می کنند، آقا ببین برای جمعیت دارند چکار می کنند، چرا آقا، آقا بیاید در محضر همه مردم بگویند من از ملت ایران عذرخواهی می کنم، ما باید برویم بمیریم دیگر، باید بمیریم دیگر، اصلاً برای جمعیت فکر کردید چه اتفاقی دارد می افتد؟ من نمی دانم در این جلسه راجع به جمعیت، انشاءالله شاید ما احتمال می دهیم بحث جمعیت گفته شود، ما احتمال می دهیم رفقا را باید ماهی یکبار یک دفعه ببینیم، اگر جنگ جدی است، اگر جنگ جبهه ای است تایم باید بروی در لشگرت، هی بیایی قرارگاه گلف همدیگر را ببینیم، آخرین وضعیت را حسن باقری بگوید، آخرین وضعیت را خرازی بگوید، آخرین وضعیت را زین الدین بگوید، آخرین وضعیت را رفقای اطلاعات عملیاتی بگویند، آخرین وضعیت را از آموزش و سازماندهی جبهه خودی بشنویم، نمی شود هر کسی دارد خودش می رود یک کاری می کند بر می دارد ببیند کی هست کی نیست، وقتی هم نخ تسبیح را می کشیم دانه ها نمی آیند، نخ پوسیده است، ایندفعه هم این تو بمیری از آن تو بمیری ها نیست، به شما عرض کنم اصلاً اینجوری نیست، اصلاً اینجوری نیست، اصلاً این فکر را نکنید، تمام جبهه باطل آن طرف با تمام سازماندهی اش و جبهه داخل با تمام سازماندهی اش، همه با هم آمدند در میدان، گفت پشت در خانه همه می زدند، همه آمدند در میدان، همه آمدند، و قرار است تا شب انتخابات رهبری مقام معظم رهبری از دهانشان نیفتد، و گفته کاری می کنیم که خامنه ای تانک بیاورد در خیابان، قبل از انتخابات خبرگان، یعنی اینکه آنها کامل بسته اند و هیچ خبر دیگری هم غیر از این نیست که تعیین تکلیف کنند با رهبری، این را به شما عرض کنم، اصلاً دنبال خاله بازی نروید، ژنو و توافق و این حرفها و آن حرفها دعوا سر قصه دیگری است، شکستن قصه دیگری و شکستن یک حرف دیگری است، آن تلفن و این صحبت و این جلسه و آن جلسه و دیگر مذاکرات یک طرف روسیه بود یک طرف چین بود با ما پای میز مذاکره، یک طرف اروپایی ها بودند، حالا اروپایی ها هم یک گوشه آمریکا بود، همه چیز حذف شده است، فقط شده ایران و آمریکا، حرف دارد اینها برادر، پیام دارد، حالا حرفم این چیزها نیست، اینها را می گذاریم یک وقت دیگری، دوربینها نباشد، موبایلها نباشد با هم صحبت می کنیم، ما باید باوردرستی از جنگ بکنیم، باور درستی از جنگ موجود بکنیم، باور درستی از نقشه دشمن بکنیم، باور درستی از این بکنیم که چه اتفاقی می خواهد بیفتد، این تمام، بخش اول صحبت، فیه بحث عظیم و طویل و موضوعات کثیر، وقتش الان نیست، نصف وقت من رفت، اما این طرف، این طرف چه خبر

است؟ این طرف حضرت آقا دارد از تمدن نوین اسلامی می گوید، نیابت امام عصر را در جهانی کردن اسلام و در جهانی کردن اهل بیت و آماده کردن دنیا برای آمدن امام مهدی عَلمش را دست گرفته و کوتاه هم نمی آید، و بعد بحث الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت را می گوید، یعنی یک جامعه اسلامی قوی محکم و تمدنی و الگو برای همه دنیا، و رویش نسل پرتراوت جوان را به ما نوید می دهد، که وقتی خدمتشان رسیدیم چی گفت به بنیاد خاتم، ما که به نمایندگی از شما رفتیم، گفت ما سالها چشم انتظار شما بودم و به انتظار شما نشسته بودم، و می دانستم از راه می رسید، امروز رسیدید، این هم امید آقا به شما، به این نظام، به این نگاه، بعد هم می گوید این انتخاباتی که پیش آمد که همه غصه دار شدیم که حالا قصه ها پیش می آید تا غصه ها رفع شود من سجده شکر برای آن کردم، دوباره در تنفیذ هم گفت من سجده شکر کردم، به این مذاکرات هم گفت ملت ایران فکرشان رشد می کند، یعنی یک انا فتحنا لک فتحا مبینا بزرگی در انتظار است، یک انا فتحنا لک فتحا مبینا بزرگی در این مدت در انتظار است، قطعاً و حتماً آقا این نگاهش حکیمانه و دقیق است، در جایگاه نیابت بقیه الله الاعظم نشسته است، هر آنچه علما و عرفا داشتند همه با هم به ایشان دادند و رفتند، اینجور که نیست، و از آن طرف هم وقتی می آییم می خواهیم جبهه حق را سازماندهی کنیم، و جبهه حق را در کف، پشت خاکریز، من دارم نگاه می کنم، من الان بالای دکل هستم، پشت خاکریز در نقطه ای که او دارد کار چهره به چهره و نفر به نفر و نفس به نفس انجام می دهد و دقیقاً یک جایی می بینیم که عمرو از خندق عبور کرده و ضربه علی یوم الخندقم آرزوست، داریم می بینیم آنجایی که پشت خاکریز هستند در مجموعه هایی که الان ما با آن در تماس هستیم هیأت است، که طرف دارد با این مخاطب مستقیم هفتگی دائم مستمر حسب یک نگاه ارتباط می گیرد، و با این شبکه بزرگ و این گوشت لخم کاملاً فرصت، مگر حالا شيله پيله ای بیاید، خورده شیشه ای بیاید، اشکالی در نیتی بیاید، در روش اجرایی و مدیریتی بیاید، کج و کوج بشود یک ذره کارمان، آن هم دوباره سفینه النجاه نجاتمان می دهد، و دقیقاً این بچه ها الان پشت خاکریز هستند و دارند عملیات می کنند، و دقیقاً باید با فرمانده کل قوای جنگ نرم که حضرت آقا است وصل باشند، و سر خط باشند، در ستون باشند و الحاق بدهند این جبهه را با هم، راهی غیر از این نداریم، پس چکار باید بکنند؟ من به شما بگویم و غیر از این راهی ندارید و غیر از این راهی را بروید باز می گوییم مدرسه ام دیر شد مشقهایم را ننوشتیم، باز می گوییم خراب شد، ما از تمدن نوین اسلامی و این نگاهی که حضرت آقا گفته باید مهندسی معکوس کنیم برویم هیأت، باید، راهی غیر این نیست، راهی غیر از این نیست، ما باید تمدن نوین اسلامی مهندسی معکوس کنیم برویم در هیأت، ما باید هیأتمان با نگاه به این تمدن نوین اسلامی سازماندهی شود و آرایش بگیرد، باید با این نگاه سازماندهی شود و آرایش بگیرد، راهی نداریم، شما هر گوشه دنیا می روید دهان همه باز است، این نسلی که به نسل سوم انقلاب در بیرون از ایران هم نگاه می کنید یک نسل جدیدی است، یک آتش پاره هایی هستند، یک پای کارهایی هستند، یک گوشه اش را در بیداری اسلامی دید، یک گوشه اش را دیدید، این

بیداری اسلامی مقدمه خیلی حرفه‌است، ما که خیلی کم گذاشتیم، ما جزء اخبار پیگیری می کردیم در صدا و سیما، دشمن سه شیفت این موضوع را پیگیری می کرد، ما یک شیفت هم پیگیری نمی کردیم، ولی آنچه که در بیرون داریم می بینیم نسل جدیدی که سن و سالش منطبق با نسل سوم و چهارم ماست عطش شنیدن، عطش دریافت کردن، عطش سازماندهی شدن، عطش الگو گرفتن، عطش حرکت به جلو کردن، همینجوری که الان نگاه می کنیم نسل سومی و چهارمی ما نسبت به اول انقلابی که خیلی هایشان رفتند کنار و دیگر دنبال زندگی شان هستند یک نگاه جدیدی دارند دیگر، همین رویش نسل پرتراوت جوان جدید، این را کی باید جواب بدهد؟ کی باید جواب بدهد؟ در این حد عمومی، دستگاه دولتی را که ولش کن، دستگاه دولتی را که ولش کن، سیستمهای دیگرمان که هنرش اینکه یک فیلم می سازد در حد خودش دیگر، اگر فضای مجازی یک کاری می کند در حد خودش، این عطش را باید کی جواب بدهد، سایت اینترنتی کدام هیأت باید جواب بدهد، تربیت آدم با نگاه تمدن اسلامی را کدام هیأت باید جواب بدهد؟ یک موقع گفتم، گفتم اگر جبهه فرهنگی ما جبهه فرهنگی جنگی باشد و بنگی نباشد و در مسیر خلاصه خوابمان نبرد و کنگر نخوریم و لنگر نیندازیم ما به هر قرارگاه استانی یک کشور می دهیم، می گوئیم آقا راجع این کشور مطالعه کن، اطلاعات این کشور را در این قرارگاه استانی ات پنبه اش را بزن، بعد به هر هیأت هم یک ایالت و یک شهری را مأمور می کنیم بروند راجع به آن مطالعه کنند، اصلاً ببینند چه خبر است، هر هیأت مسئول یک شهر، یک ایالت، یک بخش، بدانیم آقا در آنجا چی می گذرد، اسلام چی داریم، غیر اسلام چی داریم، بشناسیم آن کشور را، اصلاً ما شناختی به بیرون از ایران نداریم، شناخت واقعی، دست به واقعی، دست به آتش، یک دور سفر کرده، یک دور با ملت و دولت و امت آن کشور ارتباط گرفته، چه کسانی سرپنجه های آقا هستند؟ غیر از بچه هیأتی ها در بیرون؟ به این کثرت که ما جمعیت نداریم برای ارتباط گیری، اینها را هم که ما نمی توانیم معطل دستگاههای دولتیمان بکنیم، قرار است یک کار امتی بکنیم، ما قرار است یک کار هیأتی بکنیم، ببینید بین نجف و کربلا چه خبر بود اربعین، برنامه هیأت ما برای یک چنین حرکت عظیم چیست؟ برای ارتباط گیری با جهان اسلام چیست؟ برنامه چیست؟ ما از این سطوح می خواهیم بنشینیم با هم بحث کنیم، در این سطوح چه طراحی می خواهیم بکنیم؟ چه کمیونی؟ چه کمیته ای؟ چه خوش فکراهایی؟ چه نقشه راهی؟ بیا پایین تر، بیا داخل، ما در داخل مشکل عمده مان چیست؟ مشکل عمده ای که دست به آن می زنیم چیست؟ مشکل عمده ای که از آن بالا بعد از حضرت آقا نگاه می کنیم تا پایین مشکل داریم مدیریت است، کارآمدی است، به قول یکی می گفت دو سه شب مانده به ترور احمدی روشن گفتم مصطفی دیگر بویش می آید این روزها بزنند تو را، به این بنده خدا دوستم گفتم چطور؟ گفت به او گفتم تو داری با این تغییری که در کادر فردو می دهی و تغییری که در کادر نطنز می دهی و مهندسهای حزب اللهی را می فرستی در آن زیرزمین پای سانتریفیوژ ها و قطعات دیگر دارد کامل می شود و فلان می شود وقتی است که دشمن بزند تو را، چون هر کسی برای کارآمدی

نظام و پیش برندگی نظام و تغییر و تحول در کلیت مدیریت جلو رفت تهدید می شود برای دشمن، امروز گیر ما در نظام کجاست؟ مدیران عاشق عارف سیم وصل فهم درک شعور تخصص حرفه ای با تقوی پای کار آقا بی چون چرا که دو تا صل علی محمد گفتند باورش نشود، جلو آقا نایستد می خواهیم، کجا این باید تربیت شود؟ آقا این کجا باید تربیت شود؟ شما می خواهید بگویید در کارگروه های تربیت محور باید تربیت شود؟ خوب بیایید آقای وافی برایتان بگوید دیگر، صد تا دویست تا از این مجموعه ها، یک کار خیلی وسیعی است خیلی امتی می خواهیم حرکت کنیم، حرکت جهادی می خواهیم مدیریت کنیم، جهادی می خواهیم مسأله را حل کنیم، برویم پای وایتبرد، برویم در اتاق جنگ با همدیگر، من پرده اتاق جنگ را بزنم کنار بنویسیم وضعیت مدیریتی نظام را کادر نظام را و تمام .. تا پرروز می گفتند فرار مغزها، حالا می گویند بازگشت مغزها، بازگشت کدام مغزها، همه اینها که در این هشت سال فرستادند بیرون دکتری بگیرند، همه را گفتند برگردید، همه را گفتند برگردید، دانشگاه و دانشکده های ما باید مال هیأتها باشد، تربیت کادرها باید مال هیأتها باشد، اندیشکده ها و پژوهشکده ها باید مال هیأتها باشد، آینده کارآمدی نظام باید به دست هیأتها باشد، یعنی ما در جامعه ایمانی مشعر در این کارگروه هیأت در این تجمع اصحاب حق باید بنشینیم برنامه مان را برای کادر سازی آینده نظام طراحی کنیم، این بچه راهنمایی دبیرستانی که پای هیأت من نشسته است چه ارتقاء رشد روحی فرهنگی و معنوی بدهم او را، و چگونه بعد هم در دانشگاه و حوزه مدارمش، بعد هم سر یک کاری بکارمش، از این فکرها دارید؟ بعد می گوئیم آقا چرا چفیه انداخته گردنش، اصل و فرعش را می برند، برای ارتقای کارآمدی نظام فکر کنید، بر آینده یک نظام و دولت محکم اسلامی .. چون می دانید دولت و نظام و تمدن نوین تقریباً هر سه تا با هم در هم حرکت می کند، نمی دانم این سرعت چرا یک دفعه باهم شده است، خبری در راه است، همه چیز با هم شده است یک دفعه، برای کارآمدی نظام فکر کنید، برای آینده کادرسازی نظام فکر کنید، اینها طراحی می خواهد، اینها برنامه می خواهد، اینها ساعتها بر و بچه ها و رفقا باید دور هم بنشینیم، بگوییم بنویسیم، مغزها بترکد، مخ ها منفجر شود به سقف اتفاق بچسبد، جر و بحث کنیم، این بکش بکش ها و این من و تو و ما و شما و ایشانها و این آرم من و آرم آنها و این تأیید و تکذیب ها و این اینجوری ها کار ما نیست، در جمع خودی ها را دارم می گویم، به جایی نمی رسیم، به جایی نمی رسیم، این هم تمام است، مطلب بعدی دیگر حاج احمد آقا آمده ما وقت را نگیریم، مطلب بعدی شرایط موجود را هم که دارید می بینید، برای شرایط موجود هم باید یک کار عملیاتی سازماندهی معرفتی بصیرتی ضد استکباری مراقبت از کیان اسلامی همه چیز را نباید آقا بگویدحتماً دیگر همه خرج آقا بشود همه چیز آقا خرج شود این هم چه شبکه تولید محتوایی می خواهیم، چگونه سریع انتقال این مفهوم می خواهیم، چگونه یا علی گفتن و به خط زدن می خواهیم، چگونه به همدیگر وصل شویم برویم سال دیگر همدیگر را ببینیم، چگونه این حرکت را مدیریت بکنیم، چگونه شبکه شویم با همدیگر، چگونه همه در هیأتها در ایران یک دفعه یک حرفی را بزنیم، چگونه ما زیر بار برویم، چگونه

نایستیم آقا کامل دیگر تمام قد بیاید در میدان تا بعد ما هم تأیید کنیم فرمایشات ایشان را، خیلی هنر کردیم، این هم خودش یک بحثی است که وقتش دیگر الان نیست، ولی کارش شروع شده است، دیگر اینها را حاج احمد آقا پناهیان بیشتر مسلط است، نتیجه همه این حرفها یک چیز می شود و والسلام، اینکه کار پیچیده شده، کار حرفه ای شده، کار تخصصی شده، شیطان تمام قد آمده در میدان، و معبر ما یک جا بیشتر نیست، معبر آن خوش فکری، خوش تقدیری خوش تصمیمی، معبر رسیدن به آن پشت میدان مین، معبر عبور و در توپخانه دشمن و در فتح المبین حاضر شدن، معبر همه اینها ذکر است، توسل است، و خدا دادن نورانیت و حکمت است، و لا غیر، و لا غیر، و این هم از انقطاع حاصل می شود، یک جمع حزب الله انقلابی انقطاعی کارها می توانند بکنند، آن هم با آن دستگاه اهل بیت و دعا و توسلی که باز بساطش کامل در جمع شما روشن است، به اعتقاد من گردانهای غواص گمنام خط شکن ما امروز هیأت‌های ما هستند، آن لباس سیاه شب سیاه در آن آب شُل که تیربار روی سرش دارد کار می کند، عبدالحسین برونسی که حضرت زهرا در گوش او پیچ بکند و بگوید و حسیساً نجوی را شنیدن و معبر پیدا شدن هیأت است، امروز اگر قرار است یک مرتبه یک حرکت جامعی ایجاد شود و حمایت از ولایت شود هیأت است، برای همه این حرفها چکار باید بکنیم؟ ما از دستمان بر می آمده تا اینجای کار که برویچه‌هایی که حالا از روز اول شروع شده حالا رفقا اینجا هستند، بزرگان از اعزّه ای که ما می بینیم زحمت کشیدند دور هم جمع شدند، آقا مهدی، آقا رحیم، حاج احمد آقا، آقای مهدوی، بچه‌ها و همه رفقای که بودند و خیلی از اسم و رسم‌هایی که در حافظه من نیست، که کار تا این مقدار جمع شود، این مال خودتان است، مال بنیاد خاتم الاوصیاء نیست، مال کارگروه خاتم نیست، این حرفها را ولش کنید، من بگویم من فقط برای شاد شدن دل خودم و خسته نباشید این چند دقیقه را قبول کردم، من معمولاً از حضور هی بگویند این کارگروه آن کارگروه جلسه دارد، چون مال نیست که ما بیاییم، ما باید بیاییم گوشه هیأت شما بنشینیم گریه کنیم، ضجّه بزنیم زاری کنیم قصه ای از غصه‌های خودمان را حل کنیم، ما کارمان گیر می کند می آییم در هیأت شما، این تجمع این مجمع مال خودتان است، کمک کنید، خوشفکری کنید، ریش‌ها را هم قد کنید، یک یاعلی بگوییم در این شرایط خاص تاریخ، در این شرایط خاص تاریخ یک اتفاقی بیفتد و یک کاری بکند، آقا گوشه این انقلاب یک خط بیفتد خدای نکرده یک اتفاقی بیفتد و خدای نکرده نقشه‌هایی که اینها دارند می کشند و خیلی پرده‌هایشان تا سال قبل از انتخابات رهبری بر می دارند آرام آرام، دارند سازماندهی می کنند، دیگر نمی توانیم سر بلند کنیم ها، دیگر نمی توانیم در چشم امام مهدی نگاه کنیم، دیگر نمی توانیم در چشم این خانواده شهدا نگاه کنیم، دیگر نمی توانیم ها، بآبی أنت و امی بیایید در میدان، خدا بعد رحم می کند، خدا نظر می کند، انشاءالله و قطعاً و حتماً کار این نظام و انقلاب و کار حضرت آقا خیلی خوشگل خوشگل جلو می رود، فقط من ترسم این است که مَهرش به جبین ما نخورد. ما شاگرد تنبل‌های مشروط شده جنگ جهاد و شهادت را می آورند این بالا می نشانند برای شما بگوییم که هشت سال پشت در بهشت خوب خدا

بودیم ما را بیرون کردند، خیلی برای خودتان اسفند دود نکنید و گوسفند نکشید و فرش قرمز پهن نکنید، خدا به ما رحم کند و ما را در یاری دین خدا در این روزهای سخت و بسیار صعب بپذیرد و انشاءالله که در کنار این مسجد مقدس جمکران و انشاءالله این توسل و این توجه و این عنایت خاصی که شده به شما را قدر بدانید، یک ثانیه را با اجازه حاج آقا پناهیان حاج احمد آقا ببخشید، سی ثانیه، ما باز جمکران هم آقای رحیمیان که آمدند اینجا صحبت‌های خوبی شد، خیلی راه را باز کردند، خیلی فضای قشنگی شد، به دنبال این هستیم که جمکران را می دانید که حضرت آقا به آقای رحیمیان گفتند باید هفته ای صد هزار دویست هزار نفر بشود یک میلیون نفر در جمکران، هفته ای، خود ایشان هم در این چند مدت سه بار آمدند جمکران، ما یک اتاقکی داریم در حیاط جمکران درست می کنیم برای تمام هیأتی ها و دفتر و دستک حسینیه و مهدیه برای اینکه قرارگاهی، نه به معنای مسجد یا حسینیه یا مهدیه، قرارگاهی، نگاهمان هم این است که هر استانی اینجا یک مهدیه ای را بتواند در اطراف جمکران به معنای قرار گاه جبهه فرهنگی استان داشته باشد، مهدیه برای خودش، بچه هیأتی ها بیایند بروند، تردد داشته باشند، جایشان پاتوقشان، داریم یک صحبت‌هایی می کنیم، داخل اینجا هم داریم یک فکری می کنیم، تمام زائرهایی که اینجا می آیند در طول هفته توسط بچه هیأتی ها و شبکه استانی در استان یک تداوم ارتباطی مثل همان امتداد راهیان نور، حالا جدا از فضا سازی ها و برنامه های رسانه ای و دیگری و دیگری، و دیگر تقریباً دارم طوری می کنیم که بچه ها دست و بچه ها ترددشان به جمکران زیادتر شود، یک برنامه هایی داریم با نگاه فرهنگی، تداوم ارتباطی، حضور و استقرار و تردد و خادم بودن و حضور داشتن و بتوانیم دیگر رفقای راه دور را دو هفته ای ماهی و راههای نزدیک را هفته ای، خود خاتم هم تمام جلساتش را بر توانا و مبنا و اوج و سراج و خاتم بقیه کارگروهها همه را گذاشته سه شنبه ها صبح تا شب در جمکران، یعنی ما جلسات مدیریتی مان همه را گذاشتیم جمکران، از غروب به بعد هم راجع به خود جمکران فکر می کنیم که چکار باید بکنیم، این است که انشاءالله بتوانیم به فضل امام عصر و گوشه چشم ایشان در کنار حرکت‌های خوب و قوی که دارید می کنید انشاءالله اصلش عنایت و نظر ایشان باشد، اینجا را هم یک قرارگاهی ببینیم و یک نقطه وصل و اتصالی ببینی و توسل و توجهی انشاءالله که عنایت بیشتری به کارها بشود، بحث جمکران و بحث راهیان نور و بحث در مشهد چه حرکتی دارد انجام می شود و اینها دارد یک کارهایی انجام می شود، هنوز ناقصی خیلی دارد، بگذارید کاملتر شد در جلسات بعدی خواهیم گفت، ولی من فکر کنم زحمات ما به رفقا بیش از این شود که از آن جلسه تا این جلسه با این زمان، اگر جنگ است و قرارگاه هایمان باید جنگی باشد و تردد مان بین لشکر و یگانمان و خط و حدمان با قرارگاه باید دائم باشد فکر کنیم بیشتر باید همدیگر را ببینیم و با همدیگر بگوییم و بشنویم، و تصمیم بگیریم، و اجرا کنیم، سلامتی امام عصر، تعجیل در ظهورشان انشاءالله اعوان و انصارشان باشیم، یا لتراب مقدمه الفداء ایشان بشویم یا مستشهدین بین یدی ایشان، سلامتی نایب ایشان،

پیروزی همه بچه مسلمانهایی که در گوشه گوشه دنیا علم بلند کردند و انشاءالله تأییدات خاص امام مهدی
پشت سرتان باشد صلوات بفرستید. اللهم صل علی محمد و آل محمد.